

مطلب شمارهٔ قبل را به بهانهٔ «هفته ترویج کشاورزی» با بیان چگونگی پیدایش و تحول ترویج کشاورزی در کشورهای عقب نگهداشته شده و ایران شروع کردیم و گفتیم که ترویج کشاورزی در این کشورها نتوانسته کارنامهٔ موفقی از خود ارائه دهد. از آنجا که معتقدیم عوامل مؤثر بر عدم موفقیت برنامه‌های کلان اقتصادی - اجتماعی، در تمامی جوامع در حال توسعه، به نوبهٔ خود بعنوان جزئی از یک نظام، متأثر از قانونمندیها و روابط حاکم بر جهان است، لذا بررسی «عدم موفقیت ترویج کشاورزی در ایران» را نیز جزئی از این کل دانسته و خود را ناگزیر می‌بینیم که بعنوان یک اصل علمی و منطقی، مطالعهٔ خود را در محدودهٔ کشورهای عقب نگهداشته شده ادامه دهیم.

بررسی موفقیت ترویج کشاورزی در ایران (۲)

عوامل عدم موفقیت ترویج کشاورزی در کشورهای عقب نگهداشته شده و ایران

محمد حسین عمادی

مقدمه:

ترویج کشاورزی بعنوان نظامی که اشاعه دهندهٔ نتایج تحقیقات و پاسخگوه مشکلات مردم در جهت بهبود شرایط مادی و معنوی زندگی و دستیابی به یک تعادل اجتماعی و توسعهٔ اقتصادی در جوامع روستائی است، ریشه در ارشاد (به معنای رشد توان بالقوهٔ مردم) دارد. گرچه ترویج مختص به کشاورزی و روستا نبوده و در تمامی زمینه‌های زندگی انسان قدرت عمل دارد، اما شرایط خاص جهانی و وجود کشورهای عقب نگهداشته شده و طبیعت کشاورزی در این کشورها، باعث گردیده است که اصلی‌ترین زمینهٔ کار ترویج در شرایط کنونی، معطوف به کشاورزی و روستاها گردد؛ تا جائیکه بسیاری معتقدند که ترویج روستائی قوی‌ترین اهرم توسعه و رمز موفقیت در کشورهای عقب نگهداشته شده می‌باشد. و این اعتقاد بی‌مبنا نیست؛ زیرا رشد روزافزون جمعیت همراه با بهره‌وری باین در تولید از یک طرف بعنوان یکی از علل فقر غذایی و از

طرف دیگر وجود اقتصاد بیمار و تزریق سرمایهٔ ناشی از روابط وابستگی در شهرها و ایجاد زمینهٔ مهاجرنهای سیل آسا و نسیان کن در این کشورها، باعث شده تا ترویج در این میان بتواند یک نقش اساسی را داشته باشد.

اما نکته‌ای که در خور توجه و اهمیت است آنکه ترویج کشاورزی که در کشورهای توسعه یافته به اعتراف خود آنها و اعتقاد همهٔ صاحب نظران، از اصلی‌ترین عوامل پیشرفت این کشورها در امر کشاورزی بوده با گذشت نزدیک به نیم قرن هنوز نتوانسته است حرکتی مؤثر و مفید در جهت توسعهٔ اقتصادی و تعادل اجتماعی جوامع جهان سوم ایجاد نماید.

موضوع مقاله حاضر نیز پرداختن به علل عدم موفقیت ترویج در کشورهای عقب نگهداشته شده است.

ترویج (است).

۲ - مشکلات خاص (این مشکلات درونی بوده و اختصاص به سازمان، کادر و حوزهٔ عمل آن دارد).

مشکلات ترویج در کشورهای عقب نگهداشته شده را می‌توان به دو دسته عمده تقسیم نمود:

۱ - مشکلات عام (شامل مشکلاتی که دامنگیر نظام بوده و متأثر از عوامل بیرون از دستگاه

همانطور که گفته شد مشکلات عام متأثر از شرائط و روابط کلی حاکم بر این جوامع می‌باشد و مشکلات اختصاصی عمدتاً در ساختار و تشکیلات سازمان متجلی می‌باشد.

مشکلات عام

این مشکلات به ۵ گروه اصلی تقسیم می‌گردند:

الف - بی‌اهمیتی نسبت به ترویج: در بسیاری از کشورهای در حال توسعه کسانی دست‌اندر کار توسعهٔ کشاورزی هستند که نسبت به مسأله ترویج بی‌توجهی کامل نشان می‌دهند و در برخی ممالک گرچه دستگاه ترویج پی ریزی شده است، اما با غفلت تمام، استانداردهای سازمانی، کاربرد و عملکردهایی که برای ترویج پذیرفته شده به وضوح پائین تر از سطوحی است که در دیگر فعالیتهای دولتی به چشم می‌خورد. برای این غفلت دو دلیل عمده وجود دارد: از یک طرف، عملکرد نامطلوب وضعیت بخش کشاورزی را می‌توان بسادگی و بطور مستقیم با فقدان ترویج ارتباط داد، از سوی دیگر زمانی که ترویج عملکرد خوبی دارد، اغلب مجزا و مشخص کردن تأثیر مستقل آن بر تولید نیز مشکل است. سنخش و ارزشیابی فعالیتهای ترویج و تأثیر آن از روی اصول و قاعده میسر نیست. بدین خاطر نقش ترویج بواسطه نبودن دلیل روشنی مبنی بر تأثیر مستقیم آن، که قابل نسبت دادن به تولید کشاورزی باشد، اغلب کوچک و ناچیز تلقی می‌شود.

دلیل دوم این است که سازمان دادن و اداره ترویج یکی از مشکل‌ترین کارها برای دولت است. کشاورزان، بویژه در مراحل اولیهٔ پیشرفت اقتصادی نیازهای بی‌شماری دارند که باید از بیرون پشتیبانی شوند و دولت باید بسیاری از آنها را فراهم آورده یا در برآوردن آنها مساعدت نماید. یک پاسخ مشترک به این نیازها، عدم درک صحیح از ترویج در این کشورها و آنرا مترادف مکانیزاسیون دیدن از مشکلات اساسی ترویج است.

ب - پائین بودن سطح سواد: از آنجا که سواد بعنوان یک عامل ارتباطی بسیار مهم می‌تواند فعالیتهای ترویجی را تسریع بخشد، میزان و تعداد باسوادان یک کشور می‌تواند بازگو کنندهٔ توان

کدام را تحت سرفصلهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دهیم. البته لازم به ذکر است که این تقسیم بندی فقط جهت بیان و توضیح مشکلات طرح شده است.

- الف - حوزه عمل و اهداف
- ب - نظام تشکیلاتی (سازمان)
- ج - کادر ترویج (مروجین)

■ الف - حوزه عمل و اهداف
این قسمت شامل سه بخش است:

روستاها را هر چه بیشتر افزایش دهد. همانطور که گفته شد مشکلات فوق و دیگر مشکلات عمومی کشورهای در حال توسعه بطور غیرمستقیم از مشکلات ترویج هستند.

۲ - مشکلات اختصاصی ترویج در کشورهای در حال توسعه

برای درک عمیق‌تر از مشکلات اختصاصی ترویج در کشورهای در حال توسعه این مشکلات را به سه دسته کلی زیر تقسیم کرده و سپس هر

بالتقوه مردم آن کشور برای پذیرش ایده‌های نو باشد. اما متأسفانه سطح سواد در کشورهای در حال توسعه بسیار پائین می‌باشد؛ برای مثال: در میان کم توسعه یافته‌ترین کشورها، بطور متوسط فقط ۳۴ درصد جمعیت با سوادند. همین نرخ برای سایر کشورهای جهان سوم ۶۳ درصد و برای کشورهای پیشرفته ۹۷ درصد است^۱. حال اگر جمعیت شاغل در کشاورزی و روستائین را فقط مورد مطالعه قرار دهیم، به ارقام بسیار نا امید کننده‌تری برمی‌خوریم، در حالیکه کشاورزان و روستائیان در واقع مشتریان اصلی ترویج هستند^۱.

ج - نقصان ارتباطات و وسائل ارتباط جمعی: از یک طرف در جوامع جهان سوم اکثر جمعیت در قالب زندگی روستایی و به شکل پراکنده بسر می‌برند و از یک طرف فقدان شبکه راه مناسب، امکان دسترسی به اکثریت جمعیت این جوامع را مشکل و در بعضی موارد غیر ممکن می‌سازد. به جز عوامل گفته شده که امکان دسترسی و برخورد رودر رو با انسانهای این جوامع را (جهت ارتباطات ترویجی) مشکل می‌سازد، نبودن وسایل ارتباط جمعی که احتیاج به سواد و طی مسافت ندارد (رادیو، تلویزیون) در سطح وسیع و بین روستائینان، از عواملی است که امکان دستیابی و ارتباط با جوامع این کشورها را که پایه و رکن ترویج محسوب می‌گردند، می‌کاهد.

د - فقر و فقدان نقدینگی: در کشورهای در حال توسعه، سطح عمومی زندگی اکثریت مردم بسیار پائین است. این مطلب نه تنها در مقایسه با سطح زندگی مردم کشورهای توسعه یافته، بلکه در مقایسه با گروههای کوچک ممتاز در داخل خود جوامع در حال توسعه نیز صادق است^۱.

فقر و فقدان نقدینگی از یکطرف باعث رنگبری شدید زارع با مسائل و مشکلات روزمره زندگی گردیده و از سوی دیگر سبب کاهش قدرت ریسک زارع می‌شود که کاهش قدرت ریسک به نوبه خود باعث عدم توانایی زارع و کشاورز در خریداری و بکارگیری نوآوری‌ها و نهاده‌های جدید کشاورزی - که از عمده‌ترین اهداف ترویج است - می‌گردد. بی‌توجهی به همین خصوصیت در کشورهای در حال توسعه باعث گردیده که در چند دهه اخیر سود و منافع ترویج به جیب گروههای کوچک و مرفه روستائی برود و نهایتاً شکاف بین طبقات اجتماعی در





احاله امور اجرایی: کارگزاران ترویج در کشورهای در حال توسعه موظف به انجام چندین وظیفه از جمله کارهای اداری، توزیع خوار و بار، جمع آوری اطلاعات آماری، نظارت بر موالید و غیره می‌باشند.^۲

محول کردن وظایف چند منظوره به مروج روستایی با مشکل سازمان اداری و نظارت نامناسب و غلط ارتباط نزدیک دارد. این افراد علاوه بر انجام کارهای تنظیمی، خرید و جمع آوری آمار در سطح وسیع، در کلیه جنبه‌های توسعه روستایی (از قبیل بهداشت، تغذیه و تنظیم خانواده) مسئولیت دارند. آشکار است که این همه مسئولیت برای یک فرد زیاد است.

حوزه عمل وسیع: به اکثر مروجین، منطقه بسیار وسیعی برای کار اختصاص داده می‌شود. آنها باید بیش از ۲۰۰۰ خانواده کشاورز و در برخی موارد بیش از ۴۰۰۰ خانواده را که در سطح وسیعی پراکنده هستند (با توجه به مشکلات شبکه راه) تحت پوشش قرار دهند.^۳

اگر مقایسه‌ای بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از نظر تعداد مروجین به عمل آوریم می‌بینیم که در آمریکا به ازاء هر ۲۸۰ خانوار روستایی یک مروج وجود دارد و در انگلستان به ازاء ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰ خانوار یک مشاور زراعی همکاری می‌کند.^۴ در صورتیکه در کشورهای در حال توسعه اگر یک مروج به ازاء ۵۰۰۰ خانوار روستایی باشد خیلی خوشبخت هستند.^۱

بدون شک این حوزه عمل وسیع از کارایی و تأثیر مروج خواهد کاست و آنها را از هر گونه برخورد منطقی و عمیق با مشکلات واقعی روستائیان باز می‌دارد.

تأکید بر وظایف نمایشی: قسمت اعظم فعالیت‌های مزرعه‌ای ترویج بر شرح عملی محصولات ویژه با روش‌های کشاورزی متمرکز است. اگر چه این جلسات تشریحی در مزارع کشاورزان انجام می‌شود اما کشاورزان از هنگام برنامه‌ریزی این جلسات در آن دخالتی ندارند و تدارک نهاده‌ها و نیروی انسانی لازم و همچنین ارزشیابی نتایج همه توسط کارکنان ترویج انجام می‌شود.

*** فقر و فقدان نقدینگی در کشورهای جهان سوم باعث درگیری شدید زارع با مسائل روزمره زندگی و عدم توانایی او در خریداری و بکارگیری نهاده‌ها و نوآوری‌های کشاورزی - که از مهمترین اهداف ترویج است - می‌گردد.**

بی‌توجهی به همین خصوصیت باعث شده که در چند دهه اخیر سود حاصل از اقدامات ترویجی در این کشورها، به جیب گروه‌های کوچک و مرفه روستایی برود.

از این فعالیت‌های مروجین می‌توان به عنوان کارهای انجام شده توسط ترویج برای تحت تأثیر قرار دادن کارمندان عالیرتبه، سیاستمداران و سایرین استفاده نمود.

■ ب- نظام تشکیلاتی

برای تشریح مشکلات ترویج در این بُعد باید آنرا از ابعاد زیر مورد مطالعه قرار داد:

- ۱- ضعف سازمان و تشکیلات
- ۲- تعدد سازمان‌های اداری و فعالیت‌های ترویج
- ۳- عدم ارتباط با مراکز تحقیقاتی
- ۴- تصمیم‌گیری از بالا به پایین

۵- ضعف ارزشیابی در سازمان ترویج

۱- ضعف سازمان، تشکیلات و مدیریت: اساسی‌ترین مسأله‌ای که اغلب سازمان‌های ترویج با آن روبرو هستند، فقدان یک سازمان کاملاً تشریح شده با شیوه عملیاتی روشن و همچنین نبودن یک عامل پشتیبانی فنی، اداری کارکنان می‌باشد. غالباً یک مأمور ترویج در سطح مزرعه به دو یا حتی سه سرپرست گزارش می‌دهد. چون این فرد یکی از معدود مأموران دولت است که در سطح محلی کار می‌کند، گاهی اوقات سعی می‌شود وظایف غیرکشاورزی مختلفی به او واگذار شود. ارتباط وی با وزارت کشاورزی بسیار ضعیف است. نتیجه مسلم این که این مأمور مقدار کمی از وقت خود را واقعاً در فعالیت‌های ترویج کشاورزی صرف می‌کند و نمی‌تواند یک مروج حرفه‌ای باشد، علاوه بر آن کارهای ترویجی که این فرد انجام می‌دهد برنامه‌های منظمی نداشته و همچنین بطرز صحیحی مورد نظارت قرار نمی‌گیرد.^۵

۲- تعدد سازمان‌های اداری ترویجی: همانطور که در بالا گفته شد به علت واگذاری فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی به مروج، او غالباً تحت کنترل یک اداره شهری، یا سازمان توسعه روستایی و یا هر دوی آنها قرار می‌گیرد که نهایتاً تعداد سازمان دستور دهنده اشکال در امر تشکیلاتی و سازمانی بوجود می‌آورد.

۳- عدم ارتباط با مراکز تحقیقاتی: اگر این

بی ارتباط خواهد بود.

این امر محققان را بدانجا می‌کشاند که بجای توجه و تمرکز بر اوضاع اقتصادی که مزرعه مسلماً با آن دست به گریبان است به توجه و تمرکز بر شرایط فنی مطلوب بپردازند.^۶

در این میان بخش ترویج هم مقصر بوده، زیرا که هیچگونه فعالیتی جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم برای تحقیق انجام نمی‌دهد و علاوه بر آن اطلاعات و روشهای نوین کشاورزی را بصورت صحیح از طریق مروجین به زارعین منتقل نمی‌کند.^۳

۴- شیوه تصمیم‌گیری از بالا به پایین: با توجه به آنکه مسائل کشاورزی و بالطبع ترویج کشاورزی از یک طرف تحت تأثیر مسئله اقلیمی و طبیعی است و از طرف دیگر تحت تأثیر

مسائل انسانی بنابراین تصمیم‌گیری در این زمینه می‌بایست کاملاً منطبقه‌ای بوده و سیاست‌گذاران یکسان در سطح ملی بسیار زیانبار خواهد بود؛ اما متأسفانه در اکثر کشورهای در حال توسعه ساختار تشکیلاتی وزارت کشاورزی و سازمان ترویج، نظامی معکوس با آنچه که در بالا گفته شد دارند و کمتر نقشی را در برنامه‌ریزیها برای مروجین مزرعه و روستا در نظر گرفته‌اند.

۵- ضعف ارزشیابی دقیق از عملکرد سازمان و اعضا: عدم وجود یک نظام ارزشیابی دقیق از عملکرد و میزان موفقیت مروجان در امور محوله و انطباق فعالیتها با نیاز روستائیان نیز یکی از عیوب مهم و مشکلات اساسی ترویج در کشورهای جهان سوم قلمداد می‌گردد.^۱

مأمورین ترویج عموماً جدول کار برنامه‌ریزی شده‌ای ندارند. حتی اگر اهداف ترویج نیز مشخص شده باشد، اغلب آنقدر گسترده و از واقعیت بدور است که نیل به آن اهداف ممکن نیست و یا اینکه این اهداف بیش از حد گنگ بوده انطباق و ارتباط بسیار کمی با شرایط محلی دارند. در صورتیکه اهداف ترویج گنگ و غیر واقعی باشد تحت نظارت قراردادن آن مشکل است و حتی در بسیاری مناطق به اعمال نظارت منظم و سازنده‌تر کارکنان کوچکترین اهمیتی داده نمی‌شود. جایی که نظارت واقعاً اجرا می‌شود هدف آن غالباً بررسی این است که افراد در پست‌های تعیین شده حاضرند. در مورد برخی از اهداف قابل سنجش (نظیر تعداد جلسات کاری انجام شده، یا پاکت‌های بذر توزیع شده) که ارتباط کمی با اهداف ترویج دارند، پیشرفت حاصل می‌شود. غالب ناظرین وسیله یا انگیزه لازم برای انجام نظارت بر مروجین در مزرعه کشاورزان، یا استفاده از نظارت بعنوان وسیله‌ای برای بالا بردن سطح توانایی و تعهد کارکنان را در اختیار ندارند.^۶

■ ج- کادر ترویج (مروجین)

بررسی مشکلات ترویج اگر شامل مسائل و مشکلات مرتبط با مروج نباشد بدون اغراق بحث ناقص و بی‌نتیجه‌ای است؛ چرا که ترویج تا حدود زیادی در مروج خلاصه می‌گردد و مروج را باید رکن اساسی ترویج دانست، زیرا موفقیت و یا عدم موفقیت سازمان ترویج به بیش و عملکرد مروج

وظیفه و رسالت را برای مروج پذیریم که وی «پلی» است میان روستایی و مراکز تحقیقاتی، در واقع بزرگترین نقش مروج را یک نقش ارتباطی دانسته‌ایم و قطع ارتباط وی با هر یک از طرفین ارتباط (کشاورز یا مراکز تحقیقاتی) در واقع نفی ماهیت و حیات ترویج است با اینحال در کشورهای در حال توسعه بوضوح شاهد این قطع ارتباط هستیم.

یکی از مسائل مهم و مشترک در کشورهای در حال توسعه در امر کشاورزی، فقدان ارتباط و همکاری بین سازمانهای تحقیقاتی و بخش خدمات ترویجی می‌باشد. بیشتر تحقیقات کشاورزی هیچ ارتباطی با مسائل واقعی زارعین ندارد.^۳

همانطور که گفته شد معمولاً ارتباط مؤثری بین ترویج و تحقیقات کشاورزی وجود ندارد و این حالتی است که برای ثمربخشی هر دو زیان‌آور است. کارکنان ترویج و تحقیقات، آزمایشهای مشترکی در مزرعه انجام نمی‌دهند، اگرچه این آزمایشها به درک نکات مورد نظر و مسائل مهمی که کشاورزان با آن روبرو هستند کمک شایانی می‌کند، تحقیقات بدون ارتباط نزدیک با ترویج و کسب اطلاعات از مزارع، صرفاً حالت علمی و دانشگاهی پیدا کرده و با مسائل واقعی کشاورزان

*** کارگزاران ترویج در کشورهای در حال توسعه موظف به انجام چندین وظیفه از جمله: کارهای اداری، توزیع خوار و بار، جمع‌آوری اطلاعات آماری، نظارت بر موالید و... می‌باشند، و این یکی از مشکلات اساسی ترویج در این کشورها می‌باشد.**





موسسه تحقیقات علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ترویج می‌باشد. البته این مشکل حالت عمومی تری داشته و تقریباً نتیجه اجزایی است که در ادامه بیان می‌شود.

۲- حقوق و امکانات رفاهی محدود

ضعف مالی اکثر دولتهای جهان سوم و بی‌اهمیتی به مساله ترویج باعث گردیده که همراه با سستی ایگمیر سازمان مستولی شده، توجه به مسائل رفاهی و حقوقی مروجین در حداقل ممکنه باشد. در عمده مطالعاتی که در آفریقا شده است به حقوق و امکانات رفاهی محدود مروجین بعنوان عامل مهم در عدم کارایی و ضعف سازمان ترویج اشاره شده است.

۳- آموزش فنی و مهارت ناکافی مروجین

آموزش کارکنان ترویج معمولاً از نظر استمرار، موقع و مرتبط بودن آن با حوزه وظایف و نیازهای فنی - تخصصی مروجین مناسب نیست. فعالیتهای آموزشی بطور کلی بر آموزش قبل از شروع کار متمرکز است. این آموزش غالباً نظری و کلاسی است و ضمن آن سعی می‌شود کلیه

* متأسفانه در اکثر کشورهای در حال

توسعه ساختار تشکیلاتی وزارت

کشاورزی و سازمان ترویج بگونه‌ای

است که شیوه تصمیم‌گیری «از بالا به

پائین» در آن اعمال می‌شود، و در این

تشکیلات کمتر نقشی را در برنامه‌ریزیها

برای مروجین مزرعه و روستا در نظر

گرفته‌اند.

روشهای کار که از مروجین انتظار نمی‌رود مدت زیادی آنها را در خاطر نگه‌دارند، آموزش داده شود؛ و با توجه به اینکه از کارکنان ترویج در امور مختلفی استفاده می‌شود این آموزش بدلیل داخل شدن، موضوعات غیرکشاورزی بیشتر تضعیف می‌شود.

متأسفانه این واقعیتی است که بیشتر برنامه‌های آموزشی و کارآموزی مروجین در این کشورها هنوز بصورت آکادمیک است. ۳ در مورد ضعف تجربی مروجین گزارشی از آفریقا در دست است که ضعف تجربی مروجین بصورت ضرب‌المثلی در بین زارعین در آمده است.

۴- عدم امکانات و وسائل کار

جدی‌ترین مسئله در عدم کارایی مروجین، ضعف روحی می‌باشد. اغلب مروجین در روستاها بصورت فراموش شده می‌باشند و حتی گاهی آنها حس می‌کنند که در تبعید بسر می‌برند.

اگر بخواهیم به علل این مسئله اشاره کنیم بحث بسیار طولانی خواهد شد. اما مشقت زیاد کار بخصوص با توجه به پراکندگی روستاها و نقصان وسائل حمل و نقل و از طرف دیگر بدلیل اینکه کار ترویج یک فعالیت فرهنگی بوده و پذیرش آن توسط زارعین احتیاج به طول زمان دارد، و ثمر آنی و لحظه‌ای نمی‌دهد، بنابراین طبیعتی کاملاً متفاوت با فعالیتهای اداری و اجرایی دارد که آن هم محتاج انگیزه و اشتیاق فراوان بکار

بستگی دارد.
• حال عوامل متعددی که هر کدام جزئی از مشکلات مربوط به کادر ترویج را تشکیل می‌دهد را مورد بررسی قرار میدهم. این مشکلات به شرح زیر می‌باشند:

۱- عدم علاقه بکار در بین مروجین

۲- حقوق ناکافی مروجین

۳- آموزش فنی ناکافی و عدم مهارت

مروجین

۴- عدم امکانات و وسائل کار

۵- گزینش غلط مروج

۶- تعداد کم مروج

۱- عدم علاقه بکار در بین مروجین

شما را به مطالعه مجدد آن معطوف می‌داریم.
(ادامه دارد)

منابع و مأخذ

1- Agricultural Extension in Developing countries 1984

2- Training for Agricultural and Rural Development

2- Training for Agricultural and Rural Development 1980

3- Rural Development Journal (Dr John. L. wads Directorot undp)

4- Modernizing world Agricultural-Axin, sudhakar

5- Rural development in Africa

6- P- Benor TSV Extension System

۷- توسعه اقتصادی در جهان سوم - مایکل تودارو

جلد (۱)

۸- جهان سوم و شرایط رهائی از وابستگی غذایی -

رنه توار

بن بست وجود دارد؛ از یکطرف اگر جهت ترویج از نیروهای باسواد در سطح دیپلم استفاده کنند این امر باعث می‌گردد که مروج به علت شهری بودن و برخورداری از مواهب رفاهی شهر به روستا نرفته و انگیزه‌ای هم جهت خدمت به روستائیان نداشته باشد. از طرف دیگر اگر مروجین را از میان روستائیان انتخاب کنند سطح سواد در بین آنان بسیار پائین بوده و طبعاً انتقال مفاهیم و موضوعات مورد نظر ترویج به آنها مشکل خواهد بود.^۲

از آنجا که مزوج رکن برنامه‌های ترویجی است و کار ترویج یک مسأله انسانی و فرهنگی می‌باشد، لذا می‌بایست در گزینش مروجین با در نظر گرفتن اهداف ترویج حداکثر توان رابه کار برد تا از افراد مناسب و روستایی بهره گرفت.

۶- تعداد کم مروج:

از آنجا که این مبحث در قسمتهای قبلی (در سرفصل مربوط به حوزه عمل وسیع) مورد بحث قرار گرفت از بحث مجدد آن خودداری کرده و نظر

باعلت عدم وجود شبکه راه مناسب و پراکنندگی روستاها و از طرفی بی‌سوادی اکثر کشاورزان نیاز مروجین کشورهای در حال توسعه به ماشین و وسایل سمعی بصری، که در بی‌سوادان بیشترین تاثیر را دارد، حتی از مروجین کشورهای توسعه یافته نیز بیشتر است؛ و عملاً بعلت عدم وجود ابزار کمک آموزشی و وسائل حمل و نقل، مروجان این کشورها خلع سلاح شده و مجبور به پشت‌میز نشستن و صدور معرفی نامه‌ها و امور دفتری می‌گردند و یا حداکثر به انجام کار در یک مزرعه نمایشی می‌پردازند.

۵- گزینش غلط مروجین

به گفته مسئول Undp اولین عامل عدم کارایی مروجین در کشورهای در حال توسعه انتخاب و گزینش غلط مروجین است.^۳

در مطالعه‌ای که از چند کشور آفریقایی در زمینه ترویج بعمل آمده به این نکته اشاره شده است که در گزینش و انتخاب مروجین یک

۱- مشکلات عمومی
بی‌اهمیتی به ترویج
فقر و فقدان نقدینگی
پائین بودن سطح سواد
نقصان ارتباطات و وسائل ارتباط جمعی

الف- نظام تشکیلاتی و سازمان ترویج
— ضعف تشکیلاتی و مدیریت
— تعدد سازمان اداری
— عدم ارتباط با مراکز تحقیق
— تصمیم‌گیری از بالا به پائین
— عدم ارزشیابی

ب- کادر ترویج (مروجین)
— عدم علاقه به کار
— حقوق ناکافی
— آموزش ناکافی
— عدم امکانات
— گزینش ناصحیح

ج- حوزه عمل و اهداف (حیط کار)
— حوزه عمل وسیع
— احاله وظایف اجرایی
— تأکید به وظایف نمایشی.

مشکلات ترویج در کشورهای در حال توسعه

۲- مشکلات اختصاصی